

سط روابط همه جانبه ایران و همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی بهترین ضامن تکامل سالم اقتصادی کشور و تقویت مبانی عینی استقلال آنست. زنده باد دوستی ایران و شوروی!

ماهنامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

نامه شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران

به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت سالگرد انقلاب اکتبر

رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت ۵۵مین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر از جانب خود و همه اعضاء حزب به حزب کمونیست اتحاد شوروی و خلق

قهرمان اتحاد شوروی که در کار ساختمان جامعه کمونیستی است درود های گرم و شاد باشهای صمیمانه خود را تقدیم میدارد.

پنجاه و پنجمین سالگرد انقلاب اکتبر با پنجاهمین سال تشکیل اتحاد جماهیر شوروی همزمان است یعنی با حادثه ای که دارای اهمیت تاریخی است و همه بشریت ترقیخواه مراسم آنرا همراه مردم شوروی برپا میدارند.

تاریخ حکومت شوروی نمونه الهام بخش برای جنبش جهانی کمونیستی در نبرد بخاطر سوسیالیسم و کمونیسم و ریشه کن کردن بهره کشی انسان از انسان در روی زمین و برابری حقوق و دوستی همه خلقها است.

کشور شوراهای امروز نیز مانند نخستین روزهای انقلاب پرچم لنینی نو سازی جهان را سرفراز نگاه داشته، راه راست را بسوی آینده بخلقها نشان میدهد و عامل مقتدر دوران

ما و دوست وفادار و پایگاه درخورد اعتماد خلقها در پیکارشان برضد نظامات بهره کشی و ستم امپریالیستی است.

مردم ایران پیوسته با اتحاد شوروی این زادگاه انقلاب اکتبر باعلاقه سرشار نگریسته و میگردند و امروز بیش از همیشه ایقان را سخ دارند که اتحاد شوروی بهترین دوست آنان برای احقاق استقلال ملی و نیل به ترقی اجتماعی میهن است.

در این روز سالگرد پر افتخار انقلاب اکتبر برای شما دوستان عزیز و حزب کمونیست اتحاد شوروی و خلق قهرمان شوروی کامیابیهای بزرگ در ساختمان کمونیسم و نبرد برای ظفرمندی آرماتهای سترگ مشترکمان و صلح و بهروزی بشریت را آرزومندیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول ایرج اسکندری

پیرامون وام ها و سرمایه گذار یهای خارجی در ایران

کشورها و از جمله با استفاده از اعتبارات و وامهای خارجی نه فقط مخالف نیست، بلکه این مناسبات را از شرایط طبیعی و ضرور و اخذ وام و اعتبار را از عوامل تسریع کننده رشد اقتصادی کشور میداند.

ولی باید دید این مناسبات بر چه پایه ای مبتنی است و این وامها و اعتبارات با چه شرایطی وارد کشور میگردد.

روابط اقتصادی کشورهای امپریالیستی با کشورهای نظیر ایران بر استعمار و جلب سود، ایجاد وابستگی های اقتصادی و فنی و سیاسی نظامی - خلاصه بر شیوه های نو- استعماری مبتنی است. ماهیت اجتماعی و سیاسی کشورهای امپریالیستی اثرات خود را بر تمام مناسبات اقتصادی آنان از جمله در شرایط وام و اعتبار و سرمایه گذار یها، نحوه استفاده و هدف و عواقب ناشی از آنها باقی میگنجد. برعکس، روابط اقتصادی کشورهای

مسئله جلب سرمایه های خارجی بشکل وام و اعتبار و یا بشکل سرمایه گذار یهای مستقیم در رشته های اقتصادی از مسائل مهمی است که باید مورد توجه و بررسی خاص قرار گیرد. بررسی این مسئله بخصوص از این لحاظ حائز اهمیت است که دولت ایران به بهانه تسریع رشد اقتصادی، برای اخذ وام از کشورهای امپریالیستی و جلب سرمایه های خصوصی انحصاری اقدامات وسیع به عمل میاورد و برای توجیه روش و سیاست خود در این زمینه به تبلیغات دامنه دار متوسل میشود. با آنکه بررسی همه جانبه این مسئله محتاج فرصت و امکان بیشتری است، یک برخورد اجمالی در چارچوب امکانات ماهنامه مردم را سودمند می شماریم.

ضرورت و ماهیت مناسبات اقتصادی

پیش از همه باید تأکید کنیم که حزب توده ایران با ایجاد مناسبات اقتصادی با سایر

دسائس امپریالیسم و ارتجاع در منطقه خلیج فارس

نقشه تبهکارانه امپریالیستها در خلیج فارس و مجاورت آن، با شرکت ارتجاع محلی و رژیمهای همدست و حرف شنو در این منطقه، بتدریج اجراء میشود. پس از یکدوران اختلاف و بحث و گفتگو بر سر «مسئولیت حفظ امنیت» در خلیج فارس سرانجام امپریالیسم امریکا و انگلیس به تنظیم نقشه مشترکی رسیدند که بر اساس دکتترین نیکسون

معروف به دکتترین «گوام» و پیام مورخ ۲۱ ژانویه ۱۹۷۲ نیکسون به کنگره امریکا در باره «وضع ملت» طرح و پی ریزی شده است. دکتترین گوام و پیام نیکسون در باره سیاست خارجی امریکا تدبیر تازه ایست که امپریالیسم در نتیجه تغییر تناسب قوا در صحنه جهانی و شکست سیاست دخالت مستقیم نظامی دنباله در صفحه ۳

خانواده بهم پیوسته ملک در راه تکامل همه جانبه به پیش می تازد

(بمناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی)



نتیجه پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر است که بهره کشی انسان از انسان و بالطبع ستم ملی را در کشوری که قبل از انقلاب زندان ملتها بشمار میرفت برانداخت.

اگر تئوری لنینی مسئله ملی و برنامه مشخص حل این مسئله در دست حزب نبود تغییر اساسی مناسبات ملی در کشور شوراهامکن نمیگردید. برنامه لنینی حل مسئله ملی و فعالیت پیگیر حزب برای اجراء آن، عامل نیرو مندی بود که به بیداری انقلابی همه خلقها و ملت های روسیه کمک کرد و وسیعترین پایگاه توده ای انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را فراهم ساخت. شعار لنین در باره حق ملل برای تعیین سرنوشت خویش نه تنها در تکامل

انقلاب روسیه نقش عظیمی ایفاء نمود بلکه پس از پیروزی انقلاب اکتبر مردم کشورهای مستعمره و وابسته را نیز برای مبارزه در راه کسب استقلال و حاکمیت ملی بسیج کرد.

اجراء پیگیر برنامه لنینی در مورد سازمان دولتی ایجاد میکرد که هر ملتی دولت شوروی خود را تشکیل دهد و برابری کامل سیاسی و حقوقی خلقهای متعدد روسیه در چهار چوب دولت واحد تأمین گردد. اتحاد جمهوریهای شوروی داوطلبانه، مبری از هر گونه اعمال زور یک ملت بر ملت دیگر، مبتنی بر اعتماد کامل و وحدت و دوستی بین خلقها انجام پذیرفت. دولت اتحاد جماهیر شوروی بر پایه آموزش لنینی، زیر پرچم

امسال مردم شوروی و همه بشریت ترقیخواه پنجاهمین سالگرد تأسیس نخستین دولت کثیرالملله سوسیالیستی را جشن میگیرند.

طی تاریخ دولتهای کثیرالملله متعددی بوجود آمده اند. در جهان کنونی نیز کشور های کثیر الملله کم نیست ولی در بین این کشور ها اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یگانه کشوریست که بر اساس خواست خلقها و ملت های آزاد، مستقل و حاکم بر سرنوشت خویش پدید آمده است. با تشکیل اتحاد شوروی دولت کثیر الملله طراز نوینی بوجود آمد که مناسبات یگانگی، دوستی و برادری موجود بین ملت های تشکیل دهنده آن در تاریخ بشریت نظیر ندارد. تشکیل دولت شوروی

ظفرمند انترناسیونالیسم پرولتری بوجود آمد و استحکام پذیرفت. کشور شورا ها از لحاظ کثرت خلق ها، ملت ها و اقلیت های ملی و نا برابری موجود در بین آنها کشور کم نظیری بود. برخی از این ملت ها و خلقها در مراحل تکامل یافته سرمایه داری بودند، برخی دیگر در دنباله در صفحه ۴

دنباله از صفحه ۱

پیرامون وام‌ها و سرمایه‌گذارهای...

سوسیالیستی که به استثمار انسان از انسان پایان داده‌اند، بر پایه همکاری و سود متقابل، کمک به پیشرفت اجتماعی و تأمین استقلال اقتصادی و سیاسی کشورهای در حال رشد استوار است. مسئله تقسیم کار بین المللی را که یک امر طبیعی و قانونمند در مناسبات اقتصادی میان کشورهاست در نظر بگیریم. تقسیم کاری که کشورهای امپریالیستی از جمله به کمک وامها و اعتبارات و سرمایه‌گذارهای مستقیم به کشورهای در حال رشد تحمیل میکنند، وسیله عقب‌نگاه‌اشدن اقتصادی، تشدید استثمار و وابسته کردن کشورهای ضعیف‌تر به کشورهای نیرومندتر قرار می‌گیرد، ولی همین تقسیم کار که در مقیاس جهانی با کشورهای سوسیالیستی نیز می‌تواند وجود آید، و وسیله ایست برای همکاری اقتصادی بسود کشورهای ذینفع، زیرا این تقسیم کار بر مبنای علمی و بمنظور بهره‌برداری نریختن‌تر از نیروهای انسانی و منابع طبیعی انجام می‌گیرد و موجبات تسریع رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد.

بنابراین سخن بر ضرورت ایجاد مناسبات اقتصادی و با لزوم جلب وام و اعتبارات خارجی نیست، بلکه ماهیت این مناسبات و چگونگی این وامها و اعتبارات مطرح است.

دولت چه می‌گوید؟

دولت ایران برای توجیه سیاست جلب سرمایه‌های خارجی از کشورهای امپریالیستی دلایل معین اقامه می‌کند: رشد سریع اقتصاد کشور نیازمند سرمایه و تکنیک و بازار و مدیریت است و تحصیل وام و اعتبار از کشورهای امپریالیستی و تشویق سرمایه‌گذارهای مستقیم انحصارات خارجی در تمام این زمینه‌ها به کشور ما کمک می‌کند. این عوامل را بررسی کنیم.

سرمایه این واقعیتی است که ایران برای تأمین رشد سریع اقتصاد در شرایط کنونی با کمبود سرمایه روبرو است. این نیز واقعیت است که علت اصلی این کمبود را باید در چگونگی مناسبات اقتصادی و سیاسی هیئت حاکمه با انحصارها و کشورهای امپریالیستی و ماهیت مناسبات اجتماعی کنونی جستجو کرد.

غارت منابع طبیعی کشور ما بوسیله امپریالیسم جهانی، تحمیل هزینه‌های سنگین نظامی به کشور، توزیع غیرعادلانه درآمدها که باعث مصرف غیرمولد در آمد ملی می‌گردد - عوامل عمده‌ای هستند که از امکانات واقعی کشور ما برای سرمایه‌گذاری می‌کاهدند.

اگر فرض کنیم که در آمد نفت ناسال ۱۳۴۸ واقعاً با مناصفه تقسیم میشد، در این صورت کنسرسیون نفت از سال ۱۳۳۳ تا سال ۱۳۴۸ به تنهایی لااقل ۶۳ میلیارد دلار در آمد کشور ما را غارت کرده است. مجموع پولهایی که در همین مدت بصورت وام و اعتبار دراز مدت و یا سرمایه‌گذارهای مستقیم از کشورهای امپریالیستی وارد ایران شده در حدود ۱۸ میلیارد دلار است که بیش از یک میلیارد آن نیز تا کنون بصورت اصل و بهره و سود از کشور خارج شده است. طبیعی است اگر رژیم کنونی منابع طبیعی

کشور ما را به غارت دول امپریالیستی نماید و از این راه لااقل ۶۳ میلیارد دلار ثروت ما از کشور خارج نمیشد، کشور ایران هرگز خود را محتاج ۱۸ میلیارد دلار «کمک» امپریالیستی ننمید.

هزینه‌های تعمیلی ارتش را در نظر بگیریم. در سال ۱۳۵۰ هزینه‌های نظامی ایران بیش از یک میلیارد دلار و یا بیش از ۸ درصد در آمد ملی کشور بود. برداشت دولت ایران از در آمد ملی برای هزینه‌های نظامی تقریباً دو برابر بر داشت کشورهای اروپای غربی از در آمد ملی آنان است. اگر دولت هزینه‌های نظامی خود را حتی به حد «عادی» کشورهای اروپای غربی تنزل میداد، ایران در همان سال ۱۳۵۰ نیازمند ۴۰۰ میلیون دلار «خالص وامهای خارجی» نمیشد. همین دو مثال بغوی نشان میدهد که آن کمبود سرمایه‌ای که دولت ایران بهانه‌جلب وامها و سرمایه‌گذارهای مستقیم از کشورهای امپریالیستی می‌سازد پیش از همه زائیده رسوخ همین سرمایه‌ها و تحمیل همین سیاستهای ضد ملی به کشور ما است.

تکنیک هیئت حاکمه مدعی است که جلب سرمایه‌های خارجی از کشورهای امپریالیستی تکنیک معاصر را وارد ایران می‌سازد و صنایع و اقتصاد کشور را رشد میدهد. تجربه حاکی است که سرمایه‌هایی که بصورت وام و اعتبار از کشورهای امپریالیستی وارد کشورهای در حال رشد می‌گردد، بطور عمده صرف تکنیک جنگی و احداث راه‌ها و فرودگاهها و وسایل مخابراتی می‌گردد که بیشتر جنبه نظامی دارند. در بهترین حالات فقط قسمتی از این وامها و اعتبارات صرف برخی رشته‌های سرمایه طلب زیربنایی می‌گردد که انحصارات خصوصی بعلمت سود آور نبودن این رشته‌ها در آن شرکت نمی‌ورزند.

رشته‌هایی که از راه سرمایه‌گذاری های مستقیم انحصارات خارجی بوجود می‌آیند، اغلب رشته‌های کار طلبی هستند که از لحاظ تکنیک در درجه دوم و سوم اهمیت قرار دارند و در عوض در مدتی کوتاه میتوانند منافع هنگفت نصیب این سرمایه‌گذاران سازند. این رشته‌ها بطور عمده تولیدکننده کالا های واسطه و مصرفی بوده و برای ادامه حیات خود نیازمند ماشین آلات و ابزار تولید کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری هستند و عملاً اقتصاد کشور را به رشد ناهنجار و ناهماهنگ محکوم می‌سازند و آنرا برائده صنایع پیشرفته کشورهای صنعتی سرمایه‌داری بدل میکنند. این تکنیک کار را به وابستگی تکنولوژیک از کشورهای صنعتی متعجر می‌سازد. حتی رشته‌های مدرنی نظیر صنایع پتروشیمی که با شرکت سرمایه‌های انحصاری خارجی در ایران احداث میشوند، هم از لحاظ پروسه‌های تکنولوژیک (فرمول های شیمیایی و نحوه تولید) و هم از لحاظ ماشین و ابزار و هم از لحاظ بازار فروش وابسته کشورهای امپریالیستی هستند.

بازار فروش گفته میشود که سرمایه‌گذاران خارجی برای کالاهای که با شرکت آنان

تولید میشود بازار خارجی تأمین میکنند. بازار فروش بهتانی آن معضلی نیست که بخاطر آن مسلط کردن سرمایه‌های خارجی بر تمام رشته های اقتصادی کشور (حتی کشاورزی) ضرور باشد. بعلاوه بازاری که سرمایه‌داران خارجی برای صدور کالاهای که در ایران تولید کرده‌اند، بوجود می‌آورند عملاً بازار خارجی برای ایران نیست. آیا زاپشی که ۵۰ درصد نفت ایران را از کنسرسیون نفت خریداری میکند، بازار خارجی برای ایران است و یا برای کنسرسیون؟

بعقیده ما یک اقتصاد سالم، آنهم در کشوری که بیش از ۳۰ میلیون جمعیت دارد، در وهله اول باید متکی به بازار داخلی خود باشد. از لحاظ بازار خارجی نیز ایران بدون «کمک» انحصارات خارجی بازارهای بسیار مناسبی چه در کشورهای سوسیالیستی و چه در کشورهای آسیائی و افریقائی میتواند برای خود بوجود آورد.

مدیریت مسئله مدیریت و کادرفنی باوجود تمام اهمیت خود، آن مسئله‌ای نیست که کشور ما نتواند بدون مداخله سرمایه‌گذاران خارجی حل کند. این دیگر از شاهکارهای رژیم کنونی است که مثلاً برای تأمین مدیریت و کادرفنی معادن مس «سرخش» بجای استخدام موقت کادرفنی خارجی، خود را موظف به انعقاد قرارداد با کمپانی «آنا کوندا» یکی از بزرگترین انحصارات صنایع مس جهان که چندین پیش دولت شیلی دست آنرا از معادن مس کشور خود کوتاه کرده، بدانند.

ایجاد تحول بنیادی در سیستم آموزش و تأمین بودجه مکی برای آن، دمکراتیزه کردن اداره مؤسسات تولیدی، ایجاد هماهنگی میان بزرگ‌کار و در آمد زحمتکشان و بالا بردن سطح زندگی توده‌ها، چنان شرایطی برای پرورش کادرفنی علمی و فنی و اعتلای روح ابتکار فراهم می‌آورد که در اسرع وقت بتوان مسئله مدیریت و کادرفنی را در کشور حل نمود.

جوانب منفی سرمایه‌گذارهای خارجی

ظاهر امر چنین است که اعتبارات وامهای کشورهای امپریالیستی و سرمایه‌گذارهای مستقیم انحصارات خارجی به رشد اقتصادی و پیشرفت صنعتی کشور کمک میکنند و برای زحمتکشان ایران کار بوجود می‌آورد. بیبینم این رشد و پیشرفت به چه بهائی تمام میشود.

— به وامها و اعتبارات کشورهای سرمایه‌داری بهره‌زاد تعلق می‌گیرد. این کشورها نه فقط اصل وام، بلکه مبالغ هنگفتی از در آمد کشور را بعنوان بهره از ایران خارج میکنند؛

— کشورهای سرمایه‌داری وام و اعتبار را فقط باین شرط میدهند که کالا های لازم از کشور وام دهنده خریداری شود و فروش این کالاها معمولاً به بهائی گران‌تر از قیمت‌های بین‌المللی انجام می‌گیرد. کمیسونی که از جانب بانک جهانی مأمور رسیدگی به چگونگی اینگونه وامها بود (کمیسون پیرسون) گزارش میدهد که فروش

کالا درقبال وامها و اعتبارات اعطائی معمولاً ۲۰ درصد گرانتر از قیمت‌های بین‌المللی است؛

— کشورهای امپریالیستی فقط برای تحقق برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی معین که با هدف‌های استراتژیک آنان هماهنگ باشد، وام و اعتبار میدهند؛

— سرمایه‌گذارهای مستقیم نیز فقط در رشته‌هایی انجام می‌گیرد که در حد اقل زمان حد اکثر سود را نصیب سرمایه‌گذار کند، یعنی با نیازمندیهای واقعی کشور هماهنگ نیست. اینگونه سرمایه‌گذارها باعث رشد یکجانبه اقتصاد کشور میگردد و عملاً کشور را به زائنده اقتصادی دول امپریالیستی مبدل می‌سازد؛

— سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی بمشابه منبع جدید و اضافی انباشت در ظاهر میتواند موجب رشد اقتصاد کشور گردد. ولی در واقع چنین نیست. زیرا سرمایه‌گذاران خارجی با استفاده از سودهای کلان و نرخهای مساعد برای استهلاك سرمایه و با تحکیم قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خصوصی خارجی موفق میشوند در همان سالهای نخستین سرمایه اصلی خود را از کشور خارج سازند. ولی مؤسسات متعلق باین سرمایه‌داران، پس از خارج کردن سرمایه اصلی نیز به بهره‌برداری از منابع طبیعی و بهره‌گشی از زحمتکشان کشور ادامه میدهند و مبالغ هنگفتی بصورت سود خالص نصیب صاحبان خود میکنند که از کشور خارج می‌گردد و بدین طریق با امکانات واقعی افزایش انباشت و رشد اقتصادی کشور لطمه وارد می‌آید؛

— از آنجا که اعطای اعتبار و وام از طرف کشورهای امپریالیستی به بررسی و تأیید و تصویب برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی کشور از طرف کشور وام دهنده مشروط میگردد، از این راه بحق حاکمیت دولت ایران لطمه جدی وارد می‌آید. در سال قرار داد های اقتصادی با کشورهای امپریالیستی نیز معمولاً موادی وجود دارد که حق حاکمیت دولت ایران را محدود می‌سازد. مثلاً بند «الف» ماده ۲۸، بند «ب» ماده ۴۱ قرار داد ایران و کنسرسیون و بخصوص ضمیمه شماره ۲ این قرار داد دولت ایران را به تغییر برخی مواد قوانین مالیاتی کشور یا امتناع از اجرای برخی مواد آن و بطور کلی از وضع قوانینی که بنحوی بزبان کنسرسیون باشد موظف کرده است.

— سرمایه‌گذارهای کشورهای امپریالیستی بهر شکلی که باشد (وام و اعتبار و یا سرمایه‌گذاری مستقیم) با تحمیلات سیاسی معین همراه است و عملاً کشور را وابسته سیاستهای دول امپریالیستی می‌سازد. کیست که از رابطه مستقیم میان تسلط مجدد نفت خواران جهان و تجدید حیات دیکتاتوری و تشدید ارتجاع در داخل کشور و وابسته شدن ایران به سیاستها و پیمانهای تجاوزکار امپریالیستی بی اطلاع باشد؟

دنباله در صفحه ۳

دنباله از صفحه ۱

دسائس امپریالیسم و ارتجاع ...

امریکا، اندیشیده است، طبق این دکترین باید کشورهای مجاور خلیج که با امریکا و انگلیس ویا هر دو قرارداد نظامی و «دفاعی» دارند در مسئولیت «حفظ امنیت» شرکت جویند و با نظارت امریکا و انگلیس تا آنجا که امکان دارد مسلح و مجهز شوند. امریالیستها نیز ایستگاههای هوایی و دریایی خود را در این کشورها و در منطقه ای نزدیک با آنها توسعه دهند و تقویت نمایند تا در صورت لزوم بیاری آنها بشتابند. هدف این نقشه حفظ بسط منافع پلید اقتصادی نظامی و سیاسی امپریالیسم در منطقه خلیج فارس و سر کوبی هر گونه جنبشی است که این منافع را بخطر اندازد. امریکا که در جنگ تجاوز کارانه خود در ویتنام و سایر «مسئولیتها» که در رهبری جهان «آزاد» بعهده گرفته سخت گرفتار است، مدتها کوشش کرد تا انگلستان را بنگهداری نیروهای نظامی خود در منطقه خلیج بول مسئولیت تجهیز و تقویت بیشتر آنها را ندارد. امریکا امید داشت که پس از آمدن حکومت محافظه کار بر سر کار تصمیمی که حکومت نیکسون گرفته لغو شود ولی حکومت محافظه کار بهمان علیی که حکومت حزب کارگر را وادار ناخذ تصمیم برای تخلیه منطقه ماوراء سوئز از نیروهای نظامی کرده بود، این کار را نکرد و امریکا در قبال امری قطعی قرار گرفت.

تنظیم نقشه مشترک

باین ترتیب امریکا و انگلستان به تنظیم نقشه مشترکی رسیدند که مضمون «مسئولیت» بیشتری برای امریکا در حفظ «امنیت» خلیج و منطقه میباشد. بدنبال این توافق است که اجرای این نقشه مشترک آغاز میشود. حوادثی که در سالهای اخیر در منطقه رخ داده همه بنوعی این نقشه مزورانه نو استعماری مربوط هستند، استقلال بحرین، قطر، تشکیل فدراسیون هفت امیر نشین نزدیک ایران و عربستان سعودی، تصرف سه جزیره تب بزرگ و کوچک و ابو موسی از طرف ایران، توسعه پایگاههای دریایی امریکا در بحرین، تجهیز نیروی دریایی امریکا در خلیج به مدرنترین وسائل، توسعه و تجهیز نیروی دریایی و هوایی ایران در خلیج و سواحل جنوبی ایران، تقویت نیروهای امیرنشین ها زیر سر برستی افسران انگلیسی، کودتاهای عمان و ابوظبی، تقویت پایگاههای دریایی و هوایی منطقه مجاور خلیج از اقیانوس هند تا دریای سرخ، حملات مداوم هوایماهای انگلیسی از سلاله (در ظفار) به نیروهای آزادیبخش مردم ظفار و سر انجام توطئه مشترک عربستان سعودی، ارتجاع فراری از یم جنوبی، جمهوری یم شمالی و ایران علیه جمهوری دمکراتیک یم جنوبی بمنظور تبدیل رژیم دمکراتیک این جمهوری برژیمی ارتجاعی و وابسته، همه را باید در چهارچوب نقشه مشترک امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی تحلیل کرد که در هر مورد با پردهای از ریا و تزویر و ظاهر سازی پوشیده شده است.

آمد و رفتها

در جریان تنظیم و اجرای نقشه «وینامی» کردن» منطقه خلیج فارس کارشناسان درجه اول نظامی و سیاسی امریکا و انگلیس مکرر ظرف دو سال اخیر بخلیج فارس و ایران و عربستان سعودی آمدند تا مشکلات ناشی از اختلافات محلی این منطقه را رفع و زمینه را از هر جهت فراهم نمایند. نماینده مخصوص نیکسون، وزیر خارجه امریکا رجزز، لوس کارشناس معروف انگلستان و فرماندهان نیروهای هوایی و دریایی امریکا در ردیف این «شخصیتها» هستند که از ایران و کشورهای ساحلی خلیج دیدن کردند.

نقش ایران در نقشه امپریالیستها

ایران و عربستان سعودی در بین کشورهای ساحلی خلیج از لحاظ نیروی اقتصادی و نظامی موقعیت ممتازی دارند. ایران که طولانی ترین سواحل خلیج فارس متعلق به اوست بطور طبیعی مقام اول را در این منطقه دارد و یکی از ۴۳ کشوری است که با امپریالیسم امریکا با قرار داد نظامی دوجانبه وابستگی دارد. بنا بر این جای تعجب نیست که در میان کشورهای مجاور خلیج در کادر نقشه «حفظ امنیت خلیج» صاحب مقام و «مسئولیت» مهمتری شده است. این همان مسئولیتی است که شاه چندین پیش بی برده از آن یاد میکند و میگوید: «ایران این مسئولیت را پذیرفته است که در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند نقش نظامی خود را در حفظ ثبات و امنیت ایفا کند.»

اقدامات دولت ایران برای خرید هواپیماهای فاتوم، کشتیهای جنگی و زیر دریایی، تانکهای انگلیسی و اخیراً برای خرید ناو هواپیمابر و گسترش شبکه میدانهای بزرگ هوایی در سواحل خلیج و جنوب ایران و تأسیس بنادر جنگی در این مناطق که به بهای پرداخت در آمد ایران از نفت بانحصارات صنایع جنگی امپریالیستی تمام میشود، همه و همه در ارتباط و هماهنگی با نقشه اساسی امپریالیستها انجام گرفته، نقشه ای که هدف آن تأمین غارتگری انحصارات نفتی، سر کوب جنبش ضد استعماری مردم خلیج، کمک به استراتژی جهانی امپریالیسم در این منطقه میباشد. امروز دیگر جای تردید نیست که قبول استقلال بحرین که روزی دولت ایران آنرا بحساب احترام به آراء مردم آنجا میگذاشت، چیزی جز ایجاد پایگاه نظامی برای امریکا در قلب خلیج فارس نبوده است. اشغال سه جزیره در مدخل خلیج که در باره تعلق آنها بایران تردیدی نیست،

نیز در چهارچوب نقشه های امپریالیستی انجام گرفته است. هم اکنون صحبت از دادن پایگاه دریایی و هوایی در جزیره ابوموسی بامریکا در میان است (البته در آن قسمت از جزیره که از طرف شارجه اداره میشود!) حکومت ایران در مقابل باصطلاح اشغال سه جزیره «حفظ امنیت» و کمک به فدراسیون امیر نشینها را بعهده گرفته که هم اکنون با اعزام افسران ایرانی به عمان و کمک به ضد انقلابیهای یم و ارسال اسلحه و مهمات برای سر کوب جنبش مردم مبارز ظفار، این تعهد

را انجام میدهد. شاه در پایان جشنهای دو هزار و پانصد ساله در مصاحبه با خبرنگاران خارجی در جواب خبرنگار شبکه رادیویی امریکا که از او در باره «ورود ایران در منطقه خلیج فارس پس از خروج نیروهای انگلیسی» سؤال کرد، چنین گفته بود: «... باین نکته توجه داریم که نقاط استراتژیک بدست آمدهای ناباب نیفتد که ممکن است با چند قایق و موشک کشتیهای بزرگ نفتکش را غرق کنند.» اینک دیگر معلوم است که آمدهای ناباب یعنی مردم ظفار که علیه شاه مستبد عمان و امپریالیستها مبارزه میکنند، یعنی حکومت جمهوری دموکراتیک یم جنوبی که رژیم دموکراتیک در مجاورت خلیج بوجود آورده و سرانجام بمعنی هر گونه جنبش ضد استعماری و دموکراتیک است که در سراسر منطقه خلیج بوجود آید. در واقع دولت ایران نقش ژاندارم محلی را در اجرای نقشه امپریالیستها بعهده گرفته و این نقش را امپریالیستها که از وضع داخلی ایران بعزت سر کوب جنبش مردم و برقراری رژیم ترور و اختناق و کنترل آنها بر ارتش و سازمان امنیت ایران اطمینان دارند، باو محول کرده اند. فریادهای جگر خراشی که این روزها هویدا در میتینگ های انتخاباتی شوراها میکشد و به نیرومندی قوای هوایی، دریایی و زمینی ایران می نازد و نوید میدهد که بزودی ایران دارای ارتشی در سطح جهانی خواهد شد، بیش از آنکه نمونه ای از قدرت واقعی کشور باشد. فاش کننده این واقعیت خطرناک و دردناک است که ایران در نقشه های ماجراجویانه ای وارد است که عواقب آن بالاترید جز زیان برای مردم ایران چیزی نیست.

تمایل مردم ایران

مردم ایران در عین حال که مدافع سرسخت استقلال و تمامیت میهن و حقوق خود هستند، هر گونه تجاوز و تعرض و مداخله در امور سایر کشورها را تحت هر عنوانی که باشد و شرکت ایران را در نقشه امپریالیستها بپهر صورتی در مورد خلیج فارس محکوم میکنند. تحول اوضاع جهان در طول زمان اینگونه نقشه ها را هر چند که در نظر اول هم موفقیت آمیز جلوه کند، نقش بر آب خواهد کرد و جز ننگ و نفرت برای آنها که ماجراجویی، قدرت طلبی و شوائبی از امپریالیسم را بر سر مردم کشور در راه رفاه و بهبود زندگی مردم ترجیح میدهند، بیادگار نخواهد گذاشت.

ا. گویا

دنباله از صفحه ۲

پیرامون وامها و سرمایه گذارهای ...

اصولی که باید رعایت شود

چنانکه می بینیم صحبت بر سر استفاده از منابع وامکانات خارجی فی نفسه نیست، بلکه بر سر شرایط آنست. ما معتقدیم برای استفاده از کمتهای خارجی اصول زیرین کاملاً باید رعایت شود:

- در رشد اقتصادی کشور تکیه اساسی باید بر منابع داخلی کشور باشد؛

- از وامها و اعتبارات خارجی فقط بعنوان وسیله کمکی استفاده شود؛

- وامها و اعتبارات خارجی فقط باید در راه رشد واقعی اقتصاد و رفاه اجتماعی صرف گردد؛

- انتخاب کشور وام دهنده صرفاً بر حسب بهترین شرایط پیشنهادی انجام گیرد؛

- وامها و اعتبارات خارجی باید بدون تعجیلات اقتصادی و شرایط خاص سیاسی اخذ شود؛

- دولت باید در نحوه مصرف وامها و اعتبارات خارجی در قبال کشور وام دهنده آزادی کامل داشته باشد؛

- باز پرداخت اصل و بهره وامها حتی الامکان با کالاهای داخلی تأمین گردد؛

- استفاده از سرمایه گذارهای مستقیم خارجی در موارد استثنائی آنهم فقط در اشتراک با بخش دولتی و به ثبوت رسیدن ضرورت اقتصادی و مساعد بودن شرایط آن جایز باشد؛

- در مورد سرمایه گذارهای مستقیم حق اعمال حاکمیت (مانند ملی کردن) همیشه باید برای دولت محفوظ باشد؛

- تمام قراردادهای مربوط به اخذ وام و اعتبار و سرمایه گذارهای مستقیم خارجی باید به تصویب قوه مقننه برسد؛

- دولت باید افکار عمومی را از این قراردادها کاملاً مطلع سازد.

استفاده از منابع خارجی بارعایت اصول فوق، بدون آنکه به استقلال اقتصادی و سیاسی کشور لطمه وارد سازد، میتواند به تسریع رشد اقتصادی میهن ما کمک کند.

کشورهای سوسیالیستی در وامها و اعتباراتی که به ایران داده اند، این اصول را، تا آنجا که مربوط به آنها است، کاملاً رعایت کرده اند. مناسبات اقتصادی ما با این کشورها نمونه درخشانی است که عملی بودن این اصول را کاملاً به ثبوت میرساند.

مسعود

رادیو پیک ایران را

بشنوید!

رادیو پیک ایران همه روزه از ساعت ۶ تا ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ردف ۲۵، ۲۶ و ۳۱ متر بزبانهای کردی آذربایجانی و فارسی برنامه بخش میکند. عین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران مجدداً تکرار میگردد. رادیو پیک ایران را بشنوید و شنیدن آنرا به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

هموطنان عزیز!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

تنگ و نفرت ابد بر امپریالیسم خون آشام امریکا که در ویتنام خود را بمشابه دژخیم یک خلق قهرمان رسوا ساخته است!

دنباله از صفحه ۱

خانواده بهم پیوسته ملل ...

دوران فتودالی، نیمه فتودالی و یا حتی پدر شاهی بسر میبردند. اجراء برنامه لنینی حل مسئله ملی ایجاب میکرد که کلیه مساعی برای امحاء نابرابری اقتصادی و فرهنگی موجود در بین خلقها صرف گردد و وسایل لازم برای تأمین برابری واقعی ملتها فراهم آید. بدون کمک همه جانبه پرولتاریای انقلابی و پیشاهنگ روسیه اجراء این امر میسر نبود. بدون این کمک خلقهایی که هنوز در رژیم فتودالی یا پدرشاهی بسر میبردند نمیتوانستند مرحله سرمایه داری را طفره رفته به ساختمان سوسیالیسم بپردازند.

با تشکیل اتحاد شوروی همه ملتها و خلقهای کشور، زیر پرچم انترناسیونالیسم پرولتاری و برهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی، براه ناشناخته ساختمان جامعه نوینی گام نهادند، عقب ماندگیها را یکی پس از دیگری برانداختند و هر روز به قله تازه ای از تکامل اقتصادی و فرهنگی دست یافتند و اینک به خانواده کبیر مردم شوروی مبدل گردیده اند.

بدون اتحاد جمهوریهای شوروی ترقی نیروهای مولنده کشور، ایجاد اقتصاد سوسیالیستی شکوفان، تقسیم صحیح و منطقی کار اجتماعی، استفاده ثمربخش از منابع طبیعی، تأمین رفاه روز افزون زحمتکشان، ترقی فرهنگ همه خلقها و ملتها مقدور نبود. بدون اتحاد، حفظ استقلال بسیاری از ملتها نیز در مقابل حملات امپریالیست ها امکان نداشت. اتحاد جمهوریهای شوروی نیروهای هر یک از ملتها و سوسیالیسم را صد چندان کرد و موجبات بهروزی روز افزون همه زحمتکشان را فراهم ساخت.

طی نیم قرنیه که از تشکیل دولت اتحاد جماهیر شوروی میگذرد در همه جمهوریها و در کلیه رشته های حیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تحولات بنیادی پدید آمده است. عظمت دستاوردهای سوسیالیسم بویژه در مناطقی که قبل از انقلاب عقب مانده تر بودند چشمگیر است: تولید محصولات صنعتی در فاصله سالهای ۱۹۱۳ و ۱۹۷۱ برای مجموعه اتحاد شوروی ۹۹ بار افزایش یافته ولی در کارواستان ۱۵۸ بار، در ارمنستان ۲۰۱ بار و در قرقیزستان ۲۱۱ بار افزایش یافته است. در سال ۱۹۷۰ تولید سرانه برق که نشانه ای از پیشرفت فنی و صنعتی است در اوکراین ۲۹۰۹ در کارواستان ۲۶۸۲، در آذربایجان ۲۳۲۸، در لیتوانی ۲۳۴۰ و در ارمنستان ۲۴۲۶ کیلووات ساعت بوده است. سطح زندگی زحمتکشان سال بسال ترقی میکند. در آمد ملی طی ده سال یعنی از ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ در جمهوریهای مختلف بیش از دو برابر شده است.

در مورد پیشرفت فرهنگ و بهداشت کافی است یادآوری شود که تعلیمات ابتدایی و متوسطه عمومی و مجانی است و دانشجویان کمک خرج

دریافت میدارند. بطور متوسط در سراسر شوروی بیش از ربع جمعیت مشغول تحصیل است. کلیه بنگاههای طبی بطور مجانی در دسترس بیماران قرار دارد. جامعه کثیرالمله شوروی بر پایه همگونی حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، وحدت ایده-ولوژیک و منافع و هدفها، بر پایه حاکمیت برابری کامل حقوق، دوستی برادرانه، همکاری و تعاون همه ملتهای شوروی سازمان یافته است. خلقها و ملتتهایی که مردم شوروی را تشکیل میدهند پیوسته و همه جانبه رشد و تکامل میابند و در عین حفظ خصوصیات ملی هر روز بهم نزدیکتر میشوند و از دستاوردها و تجارب یکدیگر بیشتر بهره میگیرند.

در کشور شورواها بین منافع ملی و بین المللی تضادی وجود ندارد. انترناسیونالیسم و میهن پرستی مردم شوروی باهم پیوند ارگانیک دارد. عشق به میهن و زادگاه، علاقه بزبان مادری و فرهنگ ملی، دل بستگی به آداب و سنن ملی با میهن پرستی شوروی، با احساس مسئولیت برای سر نوشت همه کشور درهم میآمیزد.

لنین و حزب کمونیست اتحاد شوروی که وی پایه گذاری کرد طبقه کارگر کثیرالمله روسیه را همواره با روح انترناسیونالیسم پرولتاری پرورش میدادند. سالها قبل از انقلاب حزب طبقه کارگر طبق رهنمود لنین بر پایه انترناسیونالیستی سازمان یافت. در آستانه انقلاب در سرزمین پهناور روسیه سازمانهای واحد حزب بلشویکیها که کمونیستهای همه ملتهای ساکن روسیه را در بر گرفته بود فعالیت میکردند. وحدت انترناسیونالیستی پرولتاریای روسیه که برهبری لنین انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر را به پیروزی رساند به حل صحیح مسئله ملی در کشور شورواها و به تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی کمک کرد. طبقه کارگر که بیانگر اساسی گرایش وحدت طلبانه همه خلقهای کشور بود فعالانه از اتحاد جمهوریهای برادر بشتیبانی کرد، روح همبستگی بین المللی را در تودهها رسوخ داد و آنها را برای مبارزه در راه استقرار سوسیالیسم و سیر بسوی کمونیسم متشکل و متحد ساخت. تجربه اتحاد شوروی برای همه کشورهای کثیرالمله از آنجمله برای میهن ما ایران بسی گرانهاست.

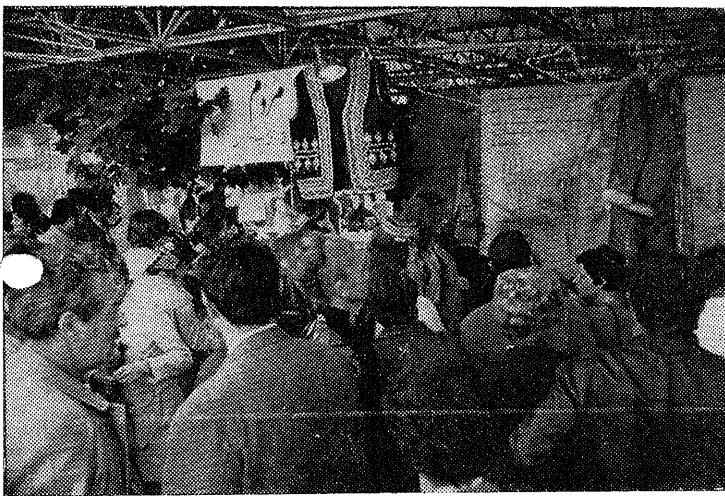
حزب ما با بهره گیری از این تجربه و با تطبیق آموزش لنین به شرایط خاص ایران به این نتیجه رسیده است که منافع اساسی خلقهای ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع با هم در آمیزد ولی در نتیجه وجود محرومیتهای ملی همه این خلقها از حقوق حقه خود برخوردار نیستند، این محرومیتهای ملی مانع تأمین اتحاد عمیق و واقعی بین خلقها و مانعی در راه ترقی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همه جانبه کشور شده است. حزب توده ایران طرفدار اتحاد خلقهای ایران بر اساس موافقت داوطلبانه آنهاست و معتقد است که برای ایجاد یک اتحاد واقعی باید ستم ملی ریشه کن شود، حق کامل خلقهای ایران در تعیین

غرفه «ماهنامه مردم» در جشن سالانه «اومانیته»

بانگ مردم ایران علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم را بگوش مردم جهان رساند.

در روزهای ۹ و ۱۰ سپتامبر روزنامه «اومانیته» از گان حزب کمونیست فرانسه طبق سنت معموله خود جشن بزرگی در شهر پاریس بر گزار نمود. در این جشن روزنامه های ارگان احزاب کمونیست برادر شرکت کردند و از جمله «ماهنامه مردم» با تشکیل غرفه ای در جشن حضور یافت.

حقایق در باره اوضاع ایران و «دعاوی دولت ایران و واقعیات» در دسترس آنان گذارده شده بود. نشریات حزب توده ایران نیز به بازدید کنندگان ایرانی فروخته میشد. چندین هزار نفر از تماشاگران ایرانی و فرانسوی زیر ورقه اعتراض به رژیم ترور و اختناق را امضا نمودند و آزادی زندانیان



شعارهای مبارزه و مطا.

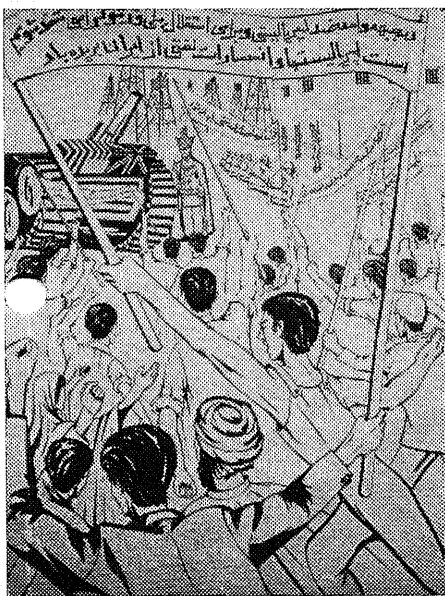
لبات مردم ضمن دوتابوئی بزرگ به نمایش گذارده شده بود که مهمترین آن اعتراض بقرار دادهای خائنانه نفت با کنسر-سیوم، اعتراض به رژیم ترور و استبداد در ایران، مطالبه آزادی برای زندانیان سیاسی و آزادی فعالیت برای احزاب و سازمانهای دموکراتیک بود. شعار: «در جیبه واحد ضد امپریالیستی و برای استقلال ملی و دموکراسی متحد شویم» ضرورت اتحاد نیروهای مخالف استبداد و امپریالیسم را در مبارزه دشواری که در پیش است تأکید میکند.

تعداد بازدید کنندگان غرفه

«مردم» امسال بیش از سالهای گذشته بود. برای اطلاع بازدید کنندگان فرانسوی از اوضاع ایران چهار نشریه بزبان فرانسه در باره «اختناق در ایران و شکنجه در زندانها»، «ایران امروز و تسلط امپریالیسم»، «برخی

سرنوشت خویش تأمین گردد. حق اقلیتهای ملی ساکن ایران در برخورداری از کلیه حقوق اجتماعی، فرهنگی و ملی شناخته شود، در تقسیم بندی کنونی کشور بر پایه وحدت قومی و زبانی و بر اساس اصول دموکراتیک تجدید نظر بعمل آید.

ح. فروردین



سیاسی را در ایران خواستار شدند. غرفه ماهنامه مردم با اشیاء و کارهای دستی ایران که ثمره کار زحمتکشان و صنعتگران ایرانی است تزئین شده بود و مورد توجه و استقبال فراوان تماشاگران قرار گرفت.

شماره حساب بانکی بیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی بشرچ زیر است:

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman